

دکتر سید داود آقایی*

راهبردهای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد**

چکیده:

جهان و بقای زندگی در زمین، به دلیل بهره‌برداری‌های ناصحیح از طبیعت، ویرانی‌ها، آلودگی‌ها و اصولاً «ناپایداری‌ها» در معرض مخاطرات جدی و واقعی است. اما، امیدها نیز، مبانی منطقی خود را دارند. در این بین، «توسعه پایدار» راهبردی همه‌جانبه برای دستیابی به «پایداری» در جهت استفاده از گشاده‌دستی طبیعت به منظور تأمین رفاه و آسایش انسان امروز و نسل‌های آینده است. توسعه پایدار عرصه نوینی است که همزمان هم سیاست و فرهنگ را مورد توجه قرار می‌دهد و هم به اقتصاد و تجارت و صنعت نظر دارد. هم محیط زیست و هم‌نشینی انسان و طبیعت را مورد حمایت قرار می‌دهد و هم از حقوق برابر انسان‌ها دفاع می‌کند. در چند دهه اخیر، بیم و هراس از رشد جمعیت، رشد مصرف، کمبود امکانات و... موضوع تأملات بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی بوده است که «توسعه پایدار» و چارچوبهای نظری و عملی آن کورسوی امید را در دل‌ها تابانده است. بر این مبنا که انسان می‌تواند همچنان به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دهد، مشروط به آنکه به مبانی «توسعه پایدار» احترام بگذارد. توسعه پایدار همگان را به آشتی با طبیعت دعوت می‌کند و در حالی که انسان را آزاد می‌خواهد و عدالت را شرط دوام زندگی می‌داند، تداوم بقاء را در گرو پایداری به حساب می‌آورد. در مسیر توسعه پایدار درک ناصواب و عملکردهای نادرست و زیاده‌طلبی‌های گروهی از انسانها و بی‌اعتنایی به

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«بررسی عملکرد شورای امنیت در حل بحران بوسنی و هرزگوین»، سال ۷۶، شماره ۳۶.

** این مقاله مستخرج از طرح «نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های اقتصادی» به شماره

۳۵۵/۳/۶۶۰ می‌باشد که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

طبیعت و انسان باید اصلاح شده به راه آیند. مقاله حاضر، هر چند به اختصار، به تبیین این روند طی شده از طریق سازمان ملل متحد و توضیح نظریات مطروحه در این چارچوب می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

سازمان ملل متحد، توسعه، توسعه پایدار، محیط‌زیست، حقوق بشر

سازمانهای بین‌المللی^۱ به عنوان یکی از پدیده‌های مهم روابط بین‌الملل از ابتدای قرن بیستم و در پی گسترش مبادلات بین‌المللی، بروز جنگ‌های خانمانسوز و نیز به دنبال پیشرفت فن‌آوری در عرصه‌های مختلف با هدف دستیابی به موضوعات خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یا ترکیبی از آنها، شکل گرفتند. به این ترتیب، سازمان‌های بین‌المللی متعدد و متنوعی، با اهداف و وظایف مشخص، در عرصه‌های مختلف جهان در کنار دولت‌ها به عنوان عمده‌ترین بازیگران بین‌المللی عهده‌دار بخشی از همکاری بین‌المللی شدند که در این میان، سازمان ملل متحد از فردای جنگ دوم جهانی نقش محوری را بر عهده گرفته است.

در دهه‌های اخیر، به خصوص با اوجگیری و اقبال نسبت به روند^۲ جهانگرایی^۳ در عرصه گیتی، این پدیده بسیاری از حریم‌های اختصاصی و تحولات داخلی کشورهای جهان را مورد تعرض قرار داده است. سازمان ملل متحد که در طول دهه‌های گذشته، از طریق نهادهای وابسته به ویژه «برنامه توسعه ملل متحد»^۴ رشد اقتصادی و توسعه را در کشورهای جهان سوم، دنبال کرده بود، در راستای تکوین اندیشه‌ها و نظریات جدید نیز با حضور و تحرک کارشناسان جهانی، نقشی اساسی را بر عهده گرفت.

تا سه دهه پیش «توسعه» به مفهوم فرآیندی تصور می‌شد که طی آن جوامع مختلف، از شرایط اولیه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی^۵ با عبور از مراحل تکاملی کم‌وبیش یکسان و تحمل

1- International Organizations.

2- Trend.

3- Globalization.

4- United Nations Development Programme (UNDP).

5- Under Development.

دگرگونی‌های کمی و کیفی به جوامع توسعه‌یافته^۱ تبدیل خواهند شد. این تلقی ایدئولوژیک از «توسعه» در پرتو نقدهای متنوع و بسیار، در دهه ۱۹۷۰ و به خصوص در سال‌های دهه ۱۹۸۰ به بن‌بست رسید. چند دهه از آغاز تلاش‌های بین‌المللی برای «توسعه» گذشته بود، بدون آنکه دگرگونی‌های بنیادی، در زندگی مردم جهان سوم پدید آید.

توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، در جهان مورد تردید جدی قرار گرفته بود و آنچه واقعیت بی‌چون و چرا داشت همانا «بد توسعه‌یافتگی»^۲ بود. شکست پروژه توسعه، اگرچه اساساً از طریق مشاهده واقعات تلخ و بررسی تجارب نامطلوب گذشته نتیجه‌گیری شده بود اما در عرصه نظری هم نقدها و هم نظریه‌پردازی‌های نوین، از جنبش‌های وسیع اجتماعی و تحولات فکری جدید که مبانی و مفروضات «اندیشه مدرن» را به چالش کشیده بودند، بیشترین تأثیر را پذیرفت. این تحولات به واقع، نشانه‌های ظهور عصر جدید بودند.

تحرك فکری جدید، چشم‌انداز تازه‌ای نسبت به جهان داشت و آمال و اهداف نوینی، پیرامون تداوم حیات بشر و بقای کره خاکی را نه فقط طرح که فریاد می‌کرد و مزید بر آن، تحقق آنها را از طریق جنبش‌های گسترده و پرشور اجتماعی تعقیب می‌کرد.

جریان نظریه‌پردازی پیرامون «توسعه» «رشد اقتصادی» و کاهش نابرابریهای اجتماعی نمی‌توانست خود را از این روند «انقلابی» دور نگاهدارد.

حقیقت آن بود که قدرت تخریبی سلاح‌ها، در اردوگاههای شرق و غرب و اصولاً ذخیره‌سازی سلاحهای پیچیده در تمامی کشورهای جهان، خطرات جدی و ملموسی را فراوری بشر قرار داده بود و آینده‌ای فرو رفته در ابهام و آکنده از تهدید را در کره خاکی ترسیم می‌کرد. این مسأله به اشکال مختلف هنر و ادبیات جدید را تحت تأثیر قرار داده بود و تقاضا برای کاهش قدرت تهاجمی این توانمندهای ضد بشری و ملاً خلع سلاح به یک خواست جهانی، تبدیل شد. دفاع از «حقوق بشر»^۳ و تلاش برای تعمیم آن در سطح جهان، از دیگر ویژگی‌های این سالهاست.

مسأله «حفاظت از محیط زیست»^۴ نیز از جمله مهمترین تحركات سال‌های پایانی قرن بیستم است که در اندیشه و عمل، آثار عمیق و وسیعی را در عرصه جهانی به دنبال داشته است.

1- Developed.

2- Maldevelopment.

3- Human Rights.

4- Environmental.

نگرانی عمده این بود که در قرن بیستم به ویژه با اوج‌گیری توانایی‌های «ابزاری» بشر، «تعادل زیست‌محیطی جهان» به زیان طبیعت، بر هم خورده است. آسیب‌های وارده بر «زیست بوم» از مرز فاجعه نیز گذشته بود. لذا با آشکارشدن دامنه مخاطرات و تهدیدهای ناشی از آلودگی‌ها، تأمل و ژرف‌اندیشی پیرامون محیط زیست، ابعاد جدید و قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. به‌زودی، محیط‌زیست‌گرایی^۱ نهضتی جهانی شد. این جنبش و تأملات زیست‌محیطی، در عرصه مناظره «توسعه» نیز بیشترین تأثیرات را بر جای گذاشت.

حفاظت از محیط زیست، هر چند در تحولات فکری و جنبش‌های اجتماعی نوین برجستگی خاصی دارد، لیکن این تحرک جدید به سرعت در عرصه‌های متنوع دیگر نیز دامن‌گستر شد و بر دیگر عرصه‌ها نیز تأثیر گذاشت. «توسعه پایدار»^۲ در چنین فضای متحولی متولد و تعریف شد.

نظریه پردازان در عرصه توسعه، عمیقاً قالب‌های گذشته را مورد انتقاد قرار داده بودند. بنابراین، با عدم به رسمیت شناختن ساختارهای فکری کهن، عرصه‌های گسترده و متنوع نوینی را برای فعالیت، جستجو می‌کردند. از سوی دیگر گسترش روزافزون جنبش‌های اجتماعی، پیرامون مسائل مبتلا به جهان، نظیر آلودگی‌های زیست‌محیطی و مردمی شدن آنها به همراه تعمیق و بسط اندیشه‌های «فرامدرن» واقعیت‌های این دوران را تشکیل می‌دادند و جریان نقاد «توسعه» نمی‌توانست خود را از این تحولات دور نگاهدارد.

«پایداری»، پاسخ این معما بود و این گستره نوین، به دلیل ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه برای پاسخگویی به مسائل جدید، به سرعت در سطح جهان گسترش یافت.

«توسعه» روندی بود که به رغم امیدهایی که در دهه‌های گذشته به آن «گره خورده بود» جز افزایش فقر و نابرابری ثمری برای کشورهای جهان سوم در بر نداشت. بنابراین، «توسعه پایدار» در واقع راه‌حلی است برای «معمای توسعه» که به عنوان «پارادایم فکری» در عرصه‌های مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. که در حوزه‌های مختلف «انسان»، «محیط زیست»، «فرهنگ»، «آموزش»، «علم»، «اخلاق»، «امنیت»، «مشارکت» و... مورد بحث قرار می‌گیرد. مضافاً اینکه مؤلفه‌هایی چون «مدیریت پایدار»، «شیوه زندگی پایدار»، «امنیت پایدار معاش» «مصرف پایدار» «کشاورزی پایدار» و آینده پایدار در بحث مربوط به «توسعه پایدار» مورد توجه هستند.

در این میان «سازمان ملل متحد» که در طول دهه‌های گذشته، از طریق نهادهای وابسته به ویژه «برنامه توسعه سازمان ملل»، رشد اقتصادی و توسعه را در کشورهای جهان سوم دنبال می‌کرد، در زمینه تکوین اندیشه‌های جدید در حوزه «توسعه پایدار» و فراهم آوردن بسترهای مناسب برای اجرای آنها، نیز نقشی اساسی را بر عهده گرفت.

نخستین اقدام اساسی در زمینه چالش نوین، در آغاز دهه هفتاد با برگزاری «کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط زیست انسانی»^۱ و مباحث مقدماتی کنفرانس به خصوص «اجلاس فونکس» صورت گرفت. و به این ترتیب بود که بین «توسعه» و «محیط زیست» ارتباط برقرار شد. و برگزاری «اجلاس کره زمین ز سوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲» در «ریو» (برزیل) نقطه عطفی در این زمینه بود.

توسعه پایدار، تعاریف و مفاهیم

ادبیات آکادمیک، ابعاد بسیار متنوع مفهوم «توسعه پایدار» را بازگو می‌کند، ابعاد اقتصادی، انسانی، زیست محیطی و تکنولوژیکی (فن‌آورانه). اما از تعاریف‌های متعددی که از این مفهوم شده قدر مشترک‌هایی به دست می‌آید: سطوح پایدار در تولید و مصرف منابع طبیعی و پایداری در سطح زندگی که از این شکل تولید و مصرف حاصل می‌شود. به هر حال اجماع و توافق درباره معنای این مفهوم وجود ندارد که دلیل آن را باید در گرایش‌های علمی و ایدئولوژیکی مختلف و الگوهای متفاوت دانست که بر رهیافت‌های اقتصادی، زیست محیطی یا اجتماعی یا تلفیقی از آنها متمرکز است. بعضی تعاریف اقتصادی به طور عمده بر جنبه‌های فیزیکی توسعه پایدار تکیه نموده و بر باقی ماندن ذخایر طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر، مثل خاک، آب و هوا تأکید می‌کند. تعاریف دیگر بر مدیریت مناسب منابع برای به حداکثر رساندن منافع توسعه اقتصادی همراه با بقای کیفیت و کمیت منابع طبیعی استوار است، با این هدف که نظامهای اقتصادی باید به گونه‌ای اداره شود که در حین برخورداری از عواید ناشی از منابع موجود، اساس منابع و ذخایر و ثروت‌ها حفظ شده و ثابت بماند. همچنین توسعه پایدار مناسبات انسانی را با این منظور که در توسعه، انسان اعم از زن و مرد و کودک و جوان باید در مرکز توجه قرار گیرد و توسعه حول محور مردم باشد نه مردم حول محور توسعه و بالتیجه یک مؤلفه مهم چنین

توسعه‌ای یعنی حق مردم برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های اثرگذار بر زندگی‌شان، را مورد تأکید قرار می‌دهد.

رایج‌ترین و شاید نخستین تعریف از «توسعه پایدار» که شاید جامع‌ترین و معتبرترین تعریف از آن مفهوم باشد، تعریفی است که «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه»^۱ معروف به کمیسیون «برانت لند»^۲ در گزارش «آینده مشترک ما» ارائه کرده است: در این تعریف آمده است: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان برآورده سازد و اینکه توسعه پایدار رابطه متقابل انسان‌ها و طبیعت در سراسر جهان است.»^۱ و یا «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.»^۲

به هر حال در توسعه پایدار توازن قابل قبول میان اهداف و برنامه‌های جوامع در حال رقابت و همکاری باید مورد توجه قرار گیرد. و به قول دکتر «اینیاسی زاکس»^۳ دستور کار همواره یکی است: «صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان.»^۳

به هر صورت اگر منظور از توسعه، گسترش امکانات زندگی انسان‌هاست، پس ناگزیر باید با نگاهی به آینده ابعاد آن ترسیم شود و از یک سو بر رابطه بین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی و از سوی دیگر، بر ضرورت‌های زیست‌محیطی و شرایط بهتر زندگی برای تمامی مردم جهان در دامنه ظرفیت‌های بالقوه محیط زیست تأکید شود - که توسعه پایدار چنین اهدافی را دنبال می‌کند. به واقع «پایداری»^۴ دعوتی است برای موازنه پویا^۵ - میان عوامل مؤثر فراوان نظیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مورد نیاز نوع بشر و لزوم حفاظت از «محیط زیست طبیعی» که بشریت بخشی از آن است. (۴) آنچه در حقیقت در این مسیر جستجو می‌شود، شریطی است که «امنیت انسانی» برای همه فراهم شود.

1- World Commission on Environment and Development (WCED).

2- Brandt Land.

3- Ignacy Sachs.

4- Sustainability.

5- Dynamic Balance.

توسعه پایدار یک ضرورت جهانی

کاملاً آشکار است که «توسعه پایدار» در سال‌های اخیر به صورت روزافزونی، حامل بسیاری از آمال و آرزوهای بشر شده است و تصور می‌شود به عنوان «پارادایم»^۱ جدید، بسیاری از اهداف جهانی برای قرن بیست و یکم، در چارچوب‌های این مفهوم جهانگیر برنامه‌ریزی شوند. (۵)

پاره‌ای از نویسندگان، با تأکید بر چشم‌انداز جامع‌نگر این مناظره بر نقش زیربنایی این نگاه، توجه کرده‌اند. از این منظر، «توسعه پایدار» عبارت است از دگرگونی اساسی در شیوه تفکر، زندگی، تولید، مصرف و نیز شیوه‌ای که ما به دیگر انسانها نگاه می‌کنیم. به این معنا، «توسعه پایدار» یک «دگرگونی ذهنی بنیادی» را در همه ابعاد زندگی ضروری می‌داند. (۶)

بر این اساس، «توسعه پایدار» در سالهای اخیر به سهولت، خود را، نه تنها به عنوان یکی از چالش‌های اصلی، بلکه به عنوان نقطه‌ای کانونی برای مناظره پیرامون بسیاری از مسائل موجود در دوران «بی‌نظمی» جهان مطرح کرده است.

از زاویه‌ای دیگر، سرعت در گسترش مفاهیم مربوط به «توسعه پایدار» در مباحث و مناظرات جهانی، به ویژه در سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های وابسته و یا زیر مجموعه آن تأکیدی باز هم بیشتر بر کلیدی بودن این مفهوم در سده بیست و یکم دارد.

از اجلاس «فونکس»^۲ در سال ۱۹۷۱ تا «اجلاس ریو»^۳ در ۱۹۹۲ و از آن زمان تاکنون گفتگوهای پیرامون این مفهوم بسیاری از مباحث ظاهراً نامربوط در گذشته را تحت‌الشعاع قرار داده است.

سازمان ملل متحد و توسعه پایدار

گفتنی است که بحث و مناظره پیرامون محیط زیست بین‌المللی، به نخستین سال‌های دهه ۱۹۷۰ (سالهای ۱۳۵۰ هجری شمسی) باز می‌گردد. در حقیقت توجه جدی به مسائل زیست محیطی با «کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط زیست انسانی» در سال ۱۹۷۲ در استکهلم (سوئد) آغاز شد. کارهای مقدماتی «کنفرانس» و پیگیری‌های بعدی، انگیزه‌های جدیدی را برای

1- Paradigm.

2- Founex.

3- Rio Summit.

بررسی ابعاد «بوم‌شناختی در روابط بین‌الملل» ایجاد کرد.

دستور کار پیشنهادی کشورهای توسعه یافته برای اجلاس «استکهلم» به‌طور عمده پیرامون «آلودگی هوا» و بهره‌برداری از منابع بود که اساساً علائق کشورهای پیشرفته را نشان می‌داد. کشورهای در حال توسعه، در واکنش به نگاه یکسویه «شمال» در جستجوی مباحثی در زمینه علائق و منافع خود برآمدند. به خصوص که در مصوبات «مجمع عمومی سازمان ملل» در دسامبر ۱۹۶۸، اشاراتی به بسیج این کشورها در حیطه محیط زیست شده بود. (۷) آنها بر این باور بودند که منافع کشورهای صنعتی و نیز نابرابری جهانی، قرار ست تحت این نام و بهانه، دوباره باز تولید شود. برای جلوگیری از این انشقاق زیان‌بار، به دعوت «موريس استرانگ»^۱ دبیر کل وقت «کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط زیست بین‌المللی»^۲ اجلاسی کارشناسانه با هدف ایجاد توافق در شهر «فونکس»^۳ (سوئیس) تشکیل شد. اجلاس فونکس در ژوئن ۱۹۷۱ دستور کار زیست محیطی را با هدف ایجاد ارتباط بین «توسعه» و «محیط زیست» گسترش داد. (۸)

چالش جدید که در آغاز از سوی «موريس استرانگ» «توسعه بوم‌شناسانه»^۴ خوانده شد، (۹) سرانجام با عنوان «توسعه پایدار» فراگیر شد. «پایداری» مفهومی بود که در اواخر دهه هفتاد و نخستین سال‌های دهه هشتاد طرح و از سوی محافل مختلف مورد توجه قرار گرفت. (۱۰) مهمترین نیت در این نامگذاری، طرح‌الگویی برای «توسعه» بود که برای محیط زیست جهانی، زیان‌آور نباشد. در آغاز برخورد کشورهای صنعتی پرمصرف شمال با این موضوع تنها بر محور آلودگی استوار بود. گزارش فونکس و حضور فعال پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه در مباحثات «کنفرانس استکهلم» سرانجام نوعی واقع‌بینی را در مصوبات این کنفرانس پدید آورد. گزارش «فونکس» استدلال کرد: «مسائل زیست محیطی ریشه در فقر و روند صنعتی شدن دارد.» (۱۱)

گزارش مزبور به این ترتیب نقطه عطفی را در تعریف و شرح مسائل محیط زیست بین‌المللی، ثبت کرد. دستور کار دیگر نمی‌توانست همچنان در مرزهای «آلودگی» متوقف شود. بلکه موضوعات بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گرفت. به بیان دیگر اصولاً «رفاه انسان» مورد توجه

1- Maurice F. Strong.

2- UNCHE.

3- Founex.

4- Ecodevelopment.

قرار گرفته بود. محیط زیست دیگر، یک «مانع» در برابر «توسعه» تلقی نمی‌شد، بلکه بخشی ضروری و قابل تأمل در این روند به حساب می‌آمد.

حیاتی بودن محیط زیست و اوج‌گیری حساسیت‌های جهانی نسبت به تخریب آن، باعث شد، تعداد کشورهای در حال توسعه دارای سازمان محیط زیست، از ۱۱ کشور در سال ۱۹۷۲ به ۱۰۲ کشور در سال ۱۹۸۰، برسد. (۱۲)

با این وصف، «توسعه» در دهه ۱۹۸۰، به عنوان یک مفهوم چندبعدی در دامنه «پایداری» فرمول‌بندی و تعریف شد. لذا «توسعه پایدار»، نه تنها، شامل اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی می‌شد بلکه مسأله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی و به‌ویژه تأثیرات این عوامل بر محیط زیست را نیز در بر می‌گرفت. (۱۳)

این خط فکری در گزارش «برانت لند» در سال ۱۹۸۷، به عنوان بحثی محوری در جهان مطرح و با تشکیل «کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط زیست و توسعه»^۱ و سمپوزیوم نوامبر ۱۹۹۱ لاهه (هلند) قوام یافت.

با برگزاری «اجلاس کره زمین»^۲ در ریو دو ژانیرو (برزیل) موسوم به اجلاس ریو^۳ بیست سال پس از اجلاس استکهلم و با مشارکت ۱۷۶ کشور، دهها نهاد بین‌المللی، ۳۵ نهاد بین‌الدولی و منطقه‌ای و بیش از ۱۵۰۰ گروه و سازمان غیردولتی در سال ۱۹۹۲، این جریان فکری به سرانجام رسید. از آن پس «توسعه و محیط زیست» به عنوان دو روی یک سکه مطرح شدند. (۱۴) و به این ترتیب، «توسعه پایدار» به صورت یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های علائق مردم سراسر جهان، درآمد.

توسعه پایدار در سال‌های پایانی قرن بیستم، به عنوان یکی از مناظرات محوری جهان، تقریباً تمامی عرصه‌های حیات بشری، نظیر فقر، نابرابری، آموزش و بهداشت، محیط زیست، حقوق زنان و کودکان، آزادی ملت‌ها و نیز صنعت، سیاست و اقتصاد و همکاری‌های بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد و به عنوان گستره‌ای نوین با داعیه پاسخگویی به مسائل خطیری که «چرخه حیات» و «طبیعت» و «نوع بشر» را به مخاطره افکنده است، در عصر جدید مطرح شده است.

1- United Nations Conference on Environment and Development (UNCED).

2- Earth Summit.

3- Rio Summit.

این گستره پویا، به دلیل تنوع بسیار عرصه‌ها، پس از موفقیت «اجلاس ریو» و مصوبات آن به ویژه «دستور کار ۲۱»^۱ پیوسته در شاخه‌های گوناگون بسط و توسعه پیدا کرد. این گستره، از هم‌اکنون به عنوان اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین مناظره قرن ۲۱، در بسیاری از پژوهش‌های جهانی، مورد تأکید قرار گرفته است و همانگونه که «ولفگانگ زاکس»^۲ گفت: از این پس «توسعه بدون پایداری و پایداری بدون توسعه وجود نخواهد داشت.» (۱۵)

کنفرانس محیط زیست و توسعه (ریو) و دستاوردهای آن

کنفرانس ریو، بزرگترین گردهمایی زیست محیطی بین‌المللی و اولین صحنه رویارویی واقعی دو جهان توسعه یافته و در حال توسعه بود که برقراری توازن میان منافع شمال و جنوب، دستیابی به مشارکت جهانی نوین و عادلانه و همکاری در رسیدن به توسعه پایدار برای همه هدف این کنفرانس بود. (۱۶) سخنان دبیر کل سازمان ملل متحد در پایان کنفرانس نیز تمام این نکات را در برداشت. وی تأکید کرد که «تمام دولت‌ها لزوم به کار بستن تدابیری تازه در مقابل زیان‌های زیست محیطی را تأیید کرده‌اند، اما این امر مستلزم همکاری جدی و همگانی آنهاست. در حالی که کشورهای شمال، توسعه را از حد می‌گذرانند، کشورهای جنوب سخت نیازمند کمک‌های جدی هستند. باید توجه داشت که منابع طبیعی متعلق به نسل‌های آینده نیز هست و ما باید با ظرفیت‌های زیست محیطی به‌طور دسته‌جمعی و عاقلانه برخورد کنیم.» (۱۷)

کنفرانس محیط زیست و توسعه سه سند غیرالزام‌آور صادر کرد: اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه، برنامه عملی برای قرن بیست و یکم و اصول جنگلها و دو معاهده تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی نیز در این کنفرانس برای امضاء مفتوح شد.

براساس اعلامیه «ریو» (۱۸)

- در توسعه پایدار انسان مرکز توجه است و انسانها هماهنگ با طبیعت، سزاوار حیاتی توأم با سلامت و سازندگی هستند.

- توسعه حقیقی است که باید به صورت مساوی، نسل‌های کنونی و آینده را زیر پوشش قرار

دهد.

- حفاظت از محیط زیست، بخشی جدانشدنی از توسعه است و نمی‌تواند به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

- کشورها در یک حرکت جمعی، باید از سلامت و یکپارچگی نظام طبیعی کره زمین حراست کنند.

- با توجه به سهم متفاوت در آلودگی محیط زیست، کشورها، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی در این زمینه دارند. لذا باید برای پرهیز از جنگ به سمت توسعه حقوق بین‌الملل گام بردارند.

در اعلامیه «ریو»، با تأکید بر لزوم انتقال تکنولوژی از سوی شمال به جنوب برای تشویق «توسعه پایدار» بر ضرورت از بین بردن الگوهای نامتناسب با «توسعه پایدار» اشاره و صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست، جدانشدنی اعلام شده است.

دستور کار قرن ۲۱

دستور کار قرن ۲۱ که با عنوان «برنامه‌ای جهانی برای توسعه پایدار» یا «یک مشارکت جهانی برای توسعه پایدار» توصیف شده و در مجموعه‌ای جامع و بسیار مفصل در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید (۱۹) در ۴ بخش، برنامه عملی غیرالزام‌آوری را مقرر می‌دارد: ۱- ابعاد اجتماعی و اقتصادی، ۲- حفاظت و مدیریت منابع توسعه، ۳- تقویت نقش گروه‌های عمده (گروه‌های اجتماعی، مردم بومی، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های کارگری، زنان، کشاورزان، بخش‌های تجارت و صنعت، محافل علمی و تکنولوژیک و...) ۴- روش‌های اجرایی. در این بین نقش اساسی را در اجرای دستور کار قرن ۲۱، دولت‌ها، حکومت‌ها و پس از آن سازمان ملل با همکاری دیگر سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به همراه مشارکت عمومی و فعال سازمان‌های غیردولتی بر عهده دارند.

در دستور کار ۲۱، با اشاره به اینکه انسان در جهان معاصر با مخاطرات و تهدیدهای متنوع و بسیاری مواجه است، آمده است که این دستورالعمل بازتاب وفاق و تعهد سیاسی مقامات عالیرتبه برای همکاری در زمینه توسعه مبتنی بر محیط زیست در جهان است.

در دستور کار ۲۱، همچنین با طرح مفاهیمی نظیر تغییر الگوی مصرف، تأمین نیازهای اساسی ملل فقیر، کاستن از مواد زائد و استفاده از مواد، بر لزوم حفاظت از محیط زیست کوه‌ها، دریاها، جزایر و جنگل‌ها تأکید شده است.

صرفنظر از ارزش حقوقی سند مورد بحث، دستور کار قرن ۲۱، کمک قابل توجهی به توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل از طریق پیشنهاد تأسیس «کمیسیون توسعه پایدار» ایجاد ثبات در هماهنگی میان سازمان ملل متحد و دیگر ارگانها و متعهد کردن تمام دولتها به آماده کردن گزارش‌های اجرایی ملی داشته است. (۲۰)

«توسعه پایدار» اینک، چون چتری، بسیاری از چالش‌ها و مناظرات سابقاً نامربوط و متفاوت را در بر گرفته است. گستره مناظره و تعمیق مفاهیم در «توسعه پایدار» مباحث مطروحه در نهادهای بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است.

در عرصه «توسعه پایدار» به این ترتیب، علاوه بر بوم‌شناسی، از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزش، امنیت، مشارکت، اخلاق، علم و... حتی از مبنای معرفت‌شناسی پایدار (۲۱) نیز صحبت به میان آمده است.

از «اجلاس فونکس» در سال ۱۹۷۱، دیرزمانی نگذشته است، ولی دامنه مناظره بسیار گسترده و متنوع شده است. مصوبات اجلاس ریو و دستور کار ۲۱، هم به جهت گستره و گوناگونی مباحث و هم به لحاظ برخورداری از امضای قریب به اتفاق کشورهای جهان، از جمله اساسی‌ترین مصوبه‌های مورد وثوق بین‌المللی هستند. اسناد معتبری که حرکت و «برنامه جهانی برای قرن ۲۱» (۲۲) تلقی شده‌اند.

به دنبال گرد هم‌آیی تاریخی «ریو» و تشکیل «کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل»^۱ برای نظارت بر تعهدات پذیرفته شده در «دستور کار ۲۱» اقدامات وسیع و همه‌جانبه‌ای برنامه‌ریزی شد. برای مثال تشکیل کمیسیون‌های جهانی در زمینه فرهنگ و تعلیم و تربیت و توسعه و نیز کنوانسیون‌های سازمان ملل در ارتباط با «تنوع حیات»، «بیابان زدایی»، «تغییر آب و هوا» و چندین موافقت‌نامه بین‌المللی در مورد ماهیگیری و حفاظت از جنگل‌ها، تماماً در دامنه مصوبات و تعهدات اجلاس «ریو» پیگیری شده‌اند.

پنج سال پس از «اجلاس ریو» و در تابستان ۱۹۹۷ گرد هم آیی ویژه‌ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به منظور ارزیابی میزان پیشرفت‌های اجرایی «دستور کار ۲۱» تحت عنوان «اجلاس زمین + ۵»^۲ برگزار شد که در آن موضوعات وسیع و متنوعی را در عرصه توسعه پایدار

1- Commission on Sustainable Development (CSD).

2- Earth + 5.

مورد بررسی قرار داد.

نتیجه‌گیری

زمانی که «توسعه» در قالب مفهوم کهن و به عنوان فرایندی یکسویه و ناکارآمد و غیرقابل انطباق با شرایط متحول دوران جدید به بن بست رسید، تلاش و تکاپو برای دستیابی به نظریه‌ها و رهیافت جایگزین، موضوع مطالعات و پژوهش‌ها قرار گرفت.

در مسیر این پژوهش‌ها، حرکت‌های ضد جنگ، جنبش‌های وسیع دانشجویی، دفاع از حقوق بشر، و به ویژه نهضت‌های طرفدار محیط زیست واقعیت‌های غیرقابل انکاری بودند که جریان نقاد «توسعه» نمی‌توانست خود را از این تحولات دور نگه دارد.

«توسعه پایدار» پاسخ این معما بود. این گستره نوین به دلیل ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالقوه در جهت پاسخگویی به مسائل جدید، به سرعت در سطح جهان گسترش یافت. در این مناظره به صورت روشن، انسان و نیازهای او در مرکز قرار گرفت. «توسعه پایدار» از زبانی، رابطه متقابل انسان و طبیعت، تعریف می‌شود و در بیانی تأمین نیاز نسل کنونی بدون آسیب رسانی به نسل‌های آتی، عنوان می‌گردد. چشم‌اندازی در حال تکوین که از سویی بر رابطه بین مولفه‌های توسعه اجتماعی و فرصت اقتصادی و از سوی دیگر بر ضرورت زیست محیطی تأکید می‌شود. در این مناظره، با محوریت انسان، مرزهای سیاست، اقتصاد، امنیت، فرهنگ، محیط زیست و... در کنار هم و در هماهنگی با انسان مورد داوری قرار می‌گیرند.

به قول «موريس استرانگ» نظریه پرداز مطرح در این عرصه «توسعه پایدار بستری اطمینان بخش برای تلفیق تجارب سنتی و مدرن می‌باشد.» (۲۳)

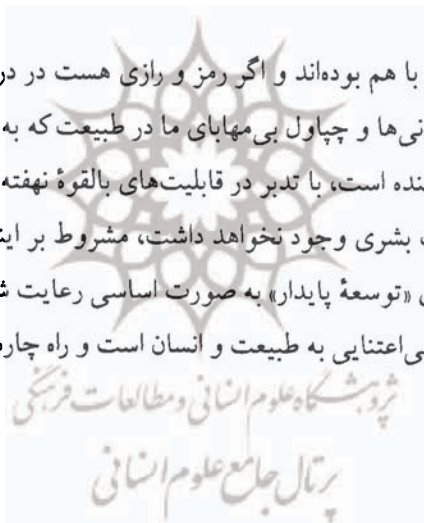
در طرح اندیشه‌های نوین، تحلیل شرایط موجود جهان یک ضرورت است، جهان سراسر آکنده از ناپایداری است جهان به شدت بیمار و شکاف درآمدی بسیار عمیق و توان فرساست. در هیچ زمانی آلودگی تا این حد فراگیر و خطر تا این اندازه نزدیک نبوده است. با صرفه‌جویی در هزینه‌های نابه‌جا و غیرضرور و پرهیز از تولید سلاح‌های مرگبار و دوری از نظامی‌گری می‌توان بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و گرسنگی‌ها را در سراسر جهان درمان کرد. در برابر این همه بی‌عدالتی باید کاری کرد.

توسعه پایدار در عرصه حاکمیت «ناپایداری‌ها» با ارائه راه‌کارهای مشخص و با قرار دادن انسان و طبیعت در کنار او در محور همه توجهات و هشدار و انذار نسبت به بهره‌برداری‌ها از

طبیعت و تلاش برای تأمین رفاه انسان و تضمین حقوق او و نسل‌های آینده چشم‌اندازی در حال تکوین را به بشریت عرضه داشت.

در این میان سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی وابسته به آن اولین گام‌ها را در ارائه این چشم‌انداز نوین برداشتند با این هدف که چاره جهان محدود ولی به شدت مورد هجوم و دستبرد قرار گرفته در بازنگری و نگاهی دوباره به گذشته است. طبیعت و هستی، هیچگاه با انسان در جنگ نبوده‌اند. مشکل اگر هست که هست، در ادراک ناصواب، عملکردها و زیاده‌طلبی پاره‌ای از انسانها و جوامع است.

طبیعت و انسان همیشه با هم بوده‌اند و اگر رمز و رازی هست در درک این پیوند است. و به‌رغم تمام آلودگی‌ها و ویرانی‌ها و چپاول بی‌مهابای ما در طبیعت که به شدت دوام زندگی کره خاکی را به مخاطره افکنده است، با تدبیر در قابلیت‌های بالقوه نهفته در طبیعت جای برای هراس از بقاء و تداوم حیات بشری وجود نخواهد داشت، مشروط بر اینکه در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها موازین و معیارهای «توسعه پایدار» به صورت اساسی رعایت شود. زیرا اگر هراسی و بیمی هست که هست ثمره بی‌اعتنایی به طبیعت و انسان است و راه چاره در اصلاح این نگرش است.



یادداشت‌ها:

- 1- UNESCO, *Educating for a Sustainable Future* (Thesalonik: UNESCO, Government of Greece 1997), p. 13.
- 2- *Ibid.*
- ۳- اینیاسی زاکس، بوم‌شناسی و فلسفه توسعه در قرن ۲۱، ترجمه سید حمید نوحی (تهران: مؤسسه فرهنگی کیان، ۱۳۷۳)، ص ۳۶.
- 4- UNESCO, *Op.Cit.*, p. 14.
- 5- David Reed, *Structural Adjustment, the Environment, and Sustainable Development* (London: Earthscan Publication Ltd, 1996), p. 32.
- ۶- برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: حسین نصیری، توسعه و توسعه پایدار، چشم‌انداز جهان سوم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، صص ۱۷۷-۱۷۶.
- ۷- حسین نصیری، توسعه پایدار، چشم‌انداز جهان سوم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۷، شماره‌های ۱۲۸-۱۲۷، ص ۱۹۲.
- 8- Marc Williams, "Re- Articulating the Third World Coalition: the Role of the

Environment Agenda", *Third world Quarterly*, vol. 14. No. 1, (1993), p. 17.

۹- زاكس، پيشين، ص ۱۸.

10- John Brohman, *Popular Development* (London, Blackwell Publishers, 1996), p. 309.

11- M. Williams, *Op.Cit.*, p. 18.

12- *Ibid.*, p. 19.

۱۳- برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: شادی صدر، مفهوم حقوقی توسعه پایدار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۴.

۱۴- اینیاسی زاكس، «استراتژی انتقالی در قرن ۲۱»، ترجمه فاطمه فراهانی، فصلنامه طبیعت و منابع (بونسکو) شماره ۳، سال ۱۳۷۲، ص ۴۲.

۱۵- نصیری، پيشين، ص ۱۸۴.

۱۶- احمد لواسانی، کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۲.

۱۷- شادی صدر، پيشين، ص ۳۴.

18- "Report of the United Nations Conference on Environment and Development" 22 December 1992.

19- Year book of U.N., 1992, p. 675.

20- "Programme for the Future Implementation of Agenda 21", G. A. Res / S. 1929, 19 September 1997.

۲۱- سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.

22- Federico Mayer, *Capacity - Building for Sustainable Development*, (Tokyo: U.N. University, 1993), p. 2.

23- Maurice. F. Strong, "Ending Hunger through Sustainable Development", *Development* (Journal of Sid) vol. 2, No. 3, (1993), p. 45.



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی